گذر

آیت‌الله جوادی آملی:

کشور در اختلاس و فساد اقتصادی گرفتار است

● یکی از مراجع تقلید قم گفت: مدیریت جهادی یک امر آرمانی است و در قله قرار دارد، حال آنکه کشور در ابتدایی‌ترین چیزها مانند اختلاس و فساد اقتصادی گرفتار است. به گزارش روابط عمومی مؤسسه اسراء، آیت‌الله عبدالله جوادی آملی در دیدار با حجت‌الاسلام‌والمسلمین مجتبی ذوالنور و جمعی از اساتید و دانشجویان مقطع دکترای دانشگاه عالی دفاع ملی در سخنانی، مدیریت جهادی را امری ضروری برای اداره امروز کشور عنوان و اظهار کرد: مدیریت صحیح یعنی زمان و زمین را به‌درستی شناختن؛ یعنی نیاز کشور و موجودی کشور و کیفیت بهره‌برداری از منابع موجود کشور را به‌صورت دقیق بشناسیم. وی مدیریت جهادی را امری محدود به امور اقتصادی ندانست و افزود: مدیریت جهادی تنها برای امور اقتصادی نیست، بلکه اگر کسی در تدبیر هم گرفتار وهم و خیال شد، باید با مدیریت جهادی آن را مهار کند تا یک انسان عقل‌مدار باشد. وی خاطرنشان کرد: در کنار جهاد اندیشه‌ای، جهاد انگیزه نیز لازم است که در آن انسان شهوت و غضب که کار عقل عملی را کُند می‌کند، مهار و تعدیل کند. آیت‌الله جوادی آملی از سوءمدیریت در بهره‌برداری صحیح و بهینه از منابع فراوان خدادادی کشور انتقاد کرد و گفت: مبارزه با مفاسد اقتصادی امر پیچیده علمی نیست، بلکه از ضروریاتی است که باید در نظام اسلامی نهادینه شود.

خبر ویژه

وزیر بازرگانی پاکستان در بازدید از فولاد مبارکه:

مأموریت داریم روابط تجاری با ایران را بر پایه‌هایی استوار بنا کنیم

● خرم دستگیرخان، وزیر بازرگانی پاکستان وقتی از خطوط تولید فولاد مبارکه اصفهان بازدید کرد؛ جمله‌ای گفت که سرفصل روابط روبه‌افول ایران و پاکستان قلمداد شد: «ما از طرف نوازشریف، نخست‌وزیر پاکستان، مأموریت داریم تا روابط تجاری و اقتصادی پاکستان و ایران را بر پایه‌هایی استوار بنا کنیم».پاکستان اگرچه در سال‌های پایانی دولت دهم تنها دو درصد از سهم ارزشی کل صادرات ایران را به خود اختصاص داد و با ۶۴۲ میلیون دلار در رتبه هشتم ایستاد؛ اما نسبت به سال ۹۱، حدود ۱۴ درصد از کل ارزش‌های تولید صادراتش کم شده و در ادامه مسیر نیز پروژه‌های مشترک به بن‌بست‌های مالی و سیاسی برخورده بودند. ولی دولت یازدهم برای این همسایه ایدئولوژیک، دعوت‌نامه‌های تجاری و سیاسی فرستاد تا جایی بهتر برای صنعت راه‌آهن؛ نفت و گاز و به‌خصوص فولاد خود در این بازار فراموش‌شده پیدا کند. اگرچه پاکستان به‌دنبال محصولات فولادی ایران و حتی سنگ‌آهن نیز رفت، ولی در سال‌های اخیر حتی در فهرست ۱۰ کشوری نبود که بازار صادراتی ایران لقب داشته‌اند. تنها ۳۰ میلیون دلار در سال ۹۱! آن‌هم برای کشوری که به‌واسطه مرزهای مشترکش با ایران بازار جذابی به‌نظر می‌رسد، به‌نظر خیلی اندک است. وقفه‌های ناشی از تحریم، دامان رابطه تجاری ایران و پاکستان را هم گرفت، اما برخی صنایع ایران مثل صنعت فولاد در همین دوره طرح‌های بلندپروازانه‌ای اجرا کردند که قفل بازار ایران در آسیای میانه اروپا و کشورهای هم‌مرز گشوده شد. فولاد مبارکه برای صدور محصولات خود به بازارهای جدید، بر خطوط ریلی و سیستم حمل‌ونقل خود سرمایه‌گذاری کرد تا در آینده، مهم‌ترین مانع صادراتی به پاکستان را هم از سر راه بردارد. سرانجام وزیر بازرگانی پاکستان که برای استفاده از تجارب ایران در بخش صنعت فولاد از خطوط تولید فولاد مبارکه بازدید کرد، هدف از سفر خود به ایران را تلاش برای توسعه روابط تجاری و اقتصادی با ایران عنوان و تأکید کرد: پس از مذاکرات خوبی که در وزارتخانه صنعت، معدن و تجارت ایران انجام شد و اکنون نیز پس از بازدید از خطوط تولید فولاد مبارکه اصفهان که بسیار منظم و سازمان‌یافته است و محصولات متنوعی تولید می‌کند، بر آن شدیم موانع همکاری‌های تجاری و اقتصادی را به‌ویژه در بخش صنعت فولاد، برطرف کنیم. وی ادامه داد: اینکه این شرکت در بازارهای جهانی و به‌ویژه اروپایی با انواع محصولات خود با کیفیت بالایی حضور دارد، بسیار ارزشمند است، مسلما بنگاه‌های اقتصادی‌ای که بتوانند در هزاره سوم که فضای کسب‌وکار، کاملا رقابتی است، عملکرد مثبتی داشته باشند، بسیار ارزشمند و از اهمیت بالایی برخوردارند. «خرم دستگیرخان» در خصوص میزان واردات فولاد پاکستان از کشور ایران اظهار کرد: فعلا بخشی از نیاز خود را از طریق فولاد مبارکه تأمین می‌کنیم، ولی بی‌شک از این پس با توجه به دستاوردهای این سفر و هدفی که در این رابطه دنبال می‌کنیم، امیدواریم موانع همکاری‌های تجاری و اقتصادی دو کشور مخصوصا در بخش خریداری ورق‌های فولاد مبارکه برطرف شود. دکتر سبحانی، مدیرعامل فولاد مبارکه نیز در جریان این بازدید قول همکاری داد و گفت: با توجه به اراده‌ای که بین دوکشور وجود دارد، ما آمادگی داریم تا بخش بیشتری از نیاز پاکستان به ورق‌های فولادی را تأمین کنیم.

عکس: محمد مویدی

شاخص قلابی در حال تخلیه‌شدن است

بورس در وضعیت مناسب

غلامحسین دوانی
کارشناس ارشد بازار سرمایه

مشاهده علائم خاصی از حباب و بحران در بازار سرمایه، نگران‌کننده به‌نظر می‌رسد. باید درصدد شناسایی راهکارهای اصولی برای تقویت طبقه متوسط، توسعه و گسترش آن برآمد؛ زیرا تجربه چندسال گذشته، حکایت از آن دارد که با بورس‌بازی و سفته‌بازی نمی‌توان شاهد خلق طبقه اجتماعی شد؛ چون طبقات اجتماعی در فرایند مناسبات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی شکل می‌گیرند و نمی‌توان از طریق قبض‌وبسط ابزارهای بازار سرمایه، طبقات اجتماعی را خلق، توسعه یا محو کرد. (مقاله کالبدشکافی بازار سرمایه مندرج در روزنامه «شرق» ۱۳۹۲/۸/۱؛ تارنمای خبرآنلاین ۱۳۹۲/۸/۱)

وقتی در سال ۱۳۹۲، در اوج شاخص‌سازی در یکی از جلسات ادواری کانون نهادهای سرمایه‌گذاری و همچنین در سه سال گذشته، به‌کرات، به‌ویژه در جلسه ادواری کانون نهادهای سرمایه‌گذاری در مهرماه ۱۳۹۲، به‌صراحت یادآوری کردم اگر بورس، آینه اقتصاد است پس چگونه اقتصادی که بیمار است و نرخ رشد آن منفی ۵.۸ درصد است، شاخص بورس آن از ۳۵ هزار واحد به ۷۹ هزار واحد می‌پرد، برخی از حاضران جلسه که بعضا هم دستی در کیسه سهام دارند، دلخور شدند و بعضی هم خط‌ونشان کشیدند و حتی یک نفری هم، عملا تهدیدآمیز، نیمچه مقاله‌ای در یکی از تارنماها علیه اینجانب نوشت. اینجانب همان‌موقع که شاخص، فارغ از مؤلفه‌های اقتصادی، بنابه «سیاست شاخص‌سازی» به‌سمت حبابی‌شدن پیش می‌رفت، در دو مقاله مفصل که در بیشتر روزنامه‌های کشور درج شد، هشدار دادم: «فقط به فکر مدیریت چندصباحی خود نباشید و نگران بازار باشید!» علاوه‌بر اینکه به‌طور صریح اعلام کردم: «موضوع هشدار در مورد شاخص بورس تنها به موارد فوق محدود نبوده و نیست، همچنین در مصاحبه‌های مطبوعاتی نیز کوشش کردم به طریقی به مسئولان بازار سرمایه و بازیگران بازار هشدار دهم که نمی‌توان در اقتصاد بیمار، به بورس سالم دست یافت!».

فارغ از اینکه اساسا کسانی که مدعی هستند دغدغه بورس دارند، عموما فردی‌نگر و شخصی و بعضا عوامل رسانه‌ای سهم‌بازان یا خود سهم‌بازانی هستند که به‌هیچ‌وجه به چیزی جز بالارفتن قیمت سهام، به هر طریق ممکن، حتی با شایعه‌سازی توجه ندارند، برخی رسانه‌های اقتصادی هم که مسئولیت رسانه‌ای آنها نشر اخبار بازار و تلطیف فضای سرمایه‌ای است، در فضاسازی حبابی بازار سرمایه مشارکت فعال داشته و مثلا یکباره مدعی می‌شوند «کاروان‌های سرمایه‌گذاران خارجی در فرودگاه‌های بین‌المللی به صف ایستاده‌اند تا خروارها سرمایه به ایران انتقال دهند! و کوشش دارند با جوسازی به طریقی شاخص بازار را بالا برند تا بلکه سهام فلان خبرنگاری که متأسفانه مسئول صفحه بازار سرمایه است، به فروش رود!».

طبیعی است پس از چندروزی که هیچ هواپیمای خارجی به کشور وارد نشود، واحدی هم برای سرمایه‌گذاری حتی اعلام آمادگی نکند، دوباره شاخص سقوط کند! درواقع هنر شاخص‌بازی در همه بورس‌های ملتهب جهان، براساس نوعی دغل‌کاری و فریبکاری بالا و پایین می‌شود، مگر در بازارهای استوار که اجازه چنین کاری را نمی‌دهند و با خاطیان به‌شدت برخورد می‌کنند. نیم‌نگاهی واقع‌بینانه به اقتصاد درهم‌کوبیده‌شده کشور، نشان می‌دهد ظرفیت بلااستفاده فراوانی در کشور وجود دارد که استفاده از آن از عهده بسیاری از مدیران فعلی خارج است؛ زیرا آنان فاقد ویژگی‌های مدیر کارساز، مبدع، نوآور و ثروت‌آفرین هستند، بنابراین نباید از آنان انتظار پیشرفت داشت تا چه رسد به جهش!

بررسی اجمالی اقتصاد کشور، نشان می‌دهد این اقتصاد برای راه‌اندازی بهینه ظرفیت‌های موجود، نیازمند رقمی حدود ۲۰۰ میلیارد دلار است (یاد ۷۰۰ میلیارد دلار بربادرفته بخیر) و امکان دستیابی از منابع داخلی به چنین رقمی امکان‌پذیر نبوده و فضای ورود سرمایه خارجی، آن هم با چنین ارقامی، درحال‌حاضر، فراهم نیست. حتی با رفع یکباره همه تحریم‌ها (که به‌نظر در کوتاه‌مدت غیرممکن می‌رسد)، اقتصاد بی‌جان‌شده نیازمند خانه‌تکانی اساسی در سطوح مدیریتی فعلی و استفاده از نیروهای کارامد و مبتکر از یک طرف و قانونمندکردن بستر مناسبات اقتصادی از طرف دیگر است که آن هم در کوتاه‌مدت و با صدور بخش‌نامه، غیرممکن است. نمونه بارز آن، اصلاحیه قانون مالیات‌های مستقیم است که پس از حدود دو سال جروبحث نهایی منتشر و اساسا جز در بخش مالیات حقوق شاغلان کشور و مبحث ارث، فاقد هرگونه زمینه تحرک بخش تولید است. به قول یکی از دوستان، بالاخره کوه موش زایید!! برای آنکه بورس بتواند جایگاه خود به عنوان آینه اقتصاد (و نه بادینه اقتصاد) را بازیابد، لزوما نخست باید مؤلفه‌های اقتصاد و زیرساخت‌های معیوب آن اصلاح شوند؛ زیرا بورس جزئی از اقتصاد است و نه بالعکس. اگر قرار باشد با خام‌فروشی مواد و منابع کشور به بنگاه‌های اقتصاد و صدور مواد خام فراوری‌شده، شاخص بورس بهبود یابد، به‌نظر می‌رسد چنین سیاستی نه‌تنها اقتصاد کشور را از تنگنای فعلی رها نخواهد کرد که بورس را هم در میان‌مدت زمین‌گیر می‌کند؛ زیرا بسیاری از شرکت‌های صادراتی، به ویژه در حوزه پتروشیمی و معادن، درحال‌حاضر در چنگ نهادهایی است که اساسا خصوصی نیستند یا بازار سوگیری ندارند و با تزریق منابع و خوراک ارزان، عملا نهادهای سرمایه‌گذار این شرکت‌ها را قدرتمندتر و بخش خصوصی را تضعیف می‌کنیم. جالب آنکه متصدیان و متولیان بورس که باید چشم به بخش خصوصی واقعی و بازارهای رقابتی داشته باشند در زمره اغیار این نهادهای غیرخصوصی هستند و دغدغه آنان را دارند؟!

نگاهی به بورس آمریکا به‌عنوان پیش‌قراول بورس‌های جهان، نشان می‌دهد از زمانی که اقتصاد آمریکا از نیمه دوم سال میلادی گذشته (۲۰۱۴) رو به بهبود گذاشت، شاخص بورس نیز تحت‌تاثیر قرار گرفت و رشد اقتصادی و شاخص امیدواری (انتظار به بهبود آینده اقتصاد) نیز در یک مسیر قرار گرفتند اما در ایران در سنوات ۹۲- ۱۳۸۹ این همبستگی، که بنیاد اقتصاد محسوب می‌شود، تحت زعامت شاخص‌سازان به صورت وارونه و فیلتری عمل کرده و با بستن نماد تمامی سهامی که احتمال سقوط داشتند، کوشش شد شاخص را حتی با نوعی فریب‌کاری اقتصادی و با استفاده از «جک‌های تبلیغاتی» و زیر کلیدآوردن رسانه‌های اقتصادی و حتی علم‌کردن رسانه‌های غیرحرفه‌ای، بالا نگه‌دارند که به مجرد لورفتن جک، شاخص مثل بادکنک توخالی شروع به خالی‌شدن کرد. مشکلات عدیده‌ای در مسیر پیشرفت بورس قرار دارد که جز از طریق بهبود فضای کسب و کار، رشد اقتصادی پایدار و شفاف‌سازی غیردستوری، قابل‌حل و رفع و رجوع نیستند پس لاجرم باید برای تبیین راهکارهای سرمایه‌گذاری، به‌ویژه تأکید بر سرمایه‌های انسانی بکوشیم تا در مسیر توسعه پایدار قرارگیریم و بورس بتواند جان بگیرد. بورس باید ابزار اقتصادی جهت مشارکت مردم در توسعه اقتصادی باشد و نه محل سفته‌بازی و سهم‌بازی که در این‌صورت افکار عمومی نباید از آن حمایت کند. زیرا سفته‌بازی و سهم‌بازی مخرب اقتصاد و وسیله‌ای برای ثروت‌اندوزی عده‌ای خاص (رانت‌خواران بورسی و غیربورسی) خواهد بود. از طرفی کسانی شعار خصوصی‌سازی را در شیپورهای نقاره‌ای سر داده و علاقه‌مندند که دولت هیچ‌گونه نظارت و کنترلی بر بازارها نداشته باشد و از سوی دیگر همین عده به مجرد سقوط شاخص، فریاد وامصیبتا، چرا دولت بسته‌های حمایتی ارائه نمی‌دهد، سر می‌دهند و درواقع اینان همان «خصولتی‌هایی» هستند که خدا و خرما را با هم آرزو دارند. به نظر نگارنده، با توجه به وضعیت شاخصه‌های کلان اقتصادی، شاخص بورس وضعیت نامناسبی ندارد و انتظارات آتی کسانی که هنوز الفبای سیاست و اقتصاد را نمی‌دانند و یک‌شبه انتظار دارند اقتصاد کشور در لوزان برنامه‌ریزی شود، نمی‌تواند معیار بالا و پایین‌رفتن شاخص باشد. وقتی مقام معظم رهبری صراحتا می‌فرمایند هنوز هیچ خبری نشده!! یا رئیس جدید اتاق بازرگانی به‌درستی در مصاحبه‌ای اعلام کرده‌اند شاید حداکثر در شرایط مناسب چهار تا پنج میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی صورت گیرد، نباید انتظار داشت هیچ خبری شاخص را بالا برد چراکه انتظارات غیرواقعی می‌تواند یکی، دو روز و حتی یکی، دو ماه شاخص را به‌صورت مصنوعی بالا نگه‌دارد اما وقتی واقعیت‌ها بر انتظارات غیرمنطقی غلبه کند، شاخص سقوط می‌کند پس چه بهتر که شاخص قلابی بالا نرود که پس از سقوط آن بازار متلاطم شود یا کار به جایی برسد که فشار رسانه‌های وابسته به برخی محافل خاص و پیگیری برخی سهام‌داران عمده باعث احضار مدیرعامل بورس به کمیسیون اصل (۹۰) شود!! تو گویی مثلا مدیرعامل بورس، مسئول سقوط بورس است. بد نبود کمیسیون اصل (۹۰) وقتی شاخص ۳۵ هزار واحدی به حدود ۹۰ هزار واحد بدون هیچ منطق اقتصادی رسیده و باعث جابه‌جایی میلیاردها تومان ثروت شده بود، به‌فکر بررسی موضوع بورس می‌افتاد. جوسازی‌های فعلی و علم‌کردن افرادی که هیچ‌گونه سابقه ذهنی و عملی‌ای در بازار سرمایه ندارند، به‌عنوان مشاورارشد و کارشناس‌ارشد در مصاحبه‌های تک‌صفحه‌ای و جریان‌سازی برای بالابردن مجدد شاخص بورس به هر طریق ممکن، یعنی دخالت و بازارسازی و حبابی‌کردن بازار. آنچه اتفاقا باید موجب نگرانی مسئولان و دل‌سوختگان بازار سرمایه شود، ظهور صدها و بلکه هزاران کارشناس و کارشناس‌ارشد بازار سرمایه در رسانه‌ها، وبلاگ‌ها و مطبوعاتی است که تشنه درج مقاله و جنجال‌سازی هستند که در پس این جنجال‌ها، همیشه منفعت خاصی صرفا برای عده خاصی نهفته است. توجه مقامات را به جوسازی‌های رسانه‌ای سال ۱۳۸۲ یکی از روزنامه‌های اقتصادی جلب می‌کنم که بعدها با دستگیری یکی از عناصر پشت‌پرده جوسازی، مشخص شد روزنامه و عنصر یادشده دغدغه سهام خود و بهره‌برداری از بازار را داشته‌اند. فاعتبروا یا اولی‌الابصار.

حال آنکه اخیرا یکی از به‌اصطلاح کارشناسان اقتصادی، که مشخص نیست با اقتصاد کشور چگونه آشنا شده، مدعی شده «حدود ۶۰ میلیون ایرانی چون دارای درآمدی بیش از ۳.۵ دلار در روز هستند جزء طبقه متوسط محسوب می‌شوند و بنابراین سرمایه‌گذاران خارجی، برای عرضه کالاهای خود به ایران هجوم بیاورید!!» این کارشناس‌ارشد اقتصادی ظاهرا نمی‌داند ۳.۵ دلار در روز یعنی حداقل مزد و مکتسبان حداقل مزد جزء فقیران و مستضعفان و اقشار آسیب‌پذیر (نام جدید مستضعفین در دوره رانت‌خواری و یارانه) بوده که قادر به تأمین حداقل معیشت زندگی هم نیستند. یکی هم نیست بگوید آخر پدرآمرزیده با این ۳.۵ دلار یا ۱۱۵ هزار ریال زیرشلواری هم نمی‌توان خرید تا چه رسد به کالای خارجی و اساسا قدرت خریدی در این جماعت ۳.۵ دلاری وجود ندارد که مشتاق ورود سرمایه‌گذاران خارجی باشند!! مضاف بر آنکه چگونه ۶۰ میلیون نفر از کل جمعیت ۷۵ میلیون نفری (که ۲۵ درصد آن زیر خط فقر به‌سر می‌برند) جزء طبقه متوسط محسوب می‌شوند!!

این‌گونه تحلیل‌های بدون پشتوانه، که صرفا کاربرد رسانه‌ای دارند، حتی ممکن است چندصباحی بازار سرمایه‌ای را که متأسفانه شاخصه اصلی آن انتظارات آتی و خیالبافی است، تحت‌تاثیر قرار دهد اما در عمل نمی‌تواند بازار کارا و رقابتی را تشویق کند. زیرا بازار کارا و رقابتی دارای مؤلفه و مختصات خاصی است که متأسفانه درحال‌حاضر از آن بهره‌مند نیستیم. دغدغه اصلی بازارهای مالی و پولی باید آن باشد که دولت با اتخاذ سیاست‌های اقتصادی، اقتصاد بیمار را به حرکت درآورد و نرخ بیکاری و تورم مهار شود و اشتغال افزایش یابد که چنانچه این اتفاق روی دهد، آنگاه می‌توان علائم بهبود را در بورس نیز مشاهده کرد. برای تحقق این امر خیلی هم نمی‌توان به سرمایه‌گذاری خارجی دل بست و چشم امید داشت چراکه تجربه نشان داده تا زمانی که ملتی خود مصمم به تغییر سرنوشت خود نباشند، خارجی‌ها کوشش می‌کنند گرد و خاک به چشم آنها بپاشند. تغییرات محیطی و اقتصادی پیرامون کشورمان درحال‌حاضر باوجود همه تهدیدات، یک فرصت طلایی را نیز فراهم کرده که عقل و تدبیر و درایت عقلا و خسروان می‌تواند با استفاده از این فرصت، کوشش کند چارچوب مختصات اقتصادی را به طریقی تغییر و تحت‌تاثیر قرار دهد که چرخه معیوب فعلی اقتصاد به ریل بازگردد و بتواند موتور محرکه اقتصاد را به حرکت واقعی درآورد تا نیازی به هل‌دادن خارجی‌ها هم نباشد.

با توجه به وضعیت شاخصه‌های کلان اقتصادی، شاخص بورس وضعیت نامناسبی ندارد و انتظارات آتی کسانی که هنوز الفبای سیاست و اقتصاد را نمی‌دانند و یک‌شبه انتظار دارند اقتصاد کشور در لوزان برنامه‌ریزی شود، نمی‌تواند معیار بالا و پایین‌رفتن شاخص باشد. وقتی مقام معظم رهبری صراحتا می‌فرمایند هنوز هیچ خبری نشده!!

خبر

قیمت نفت اوپک رکورد زد

● **ایرنا:** براساس محاسبات دبیرخانه اوپک که عصر دیروز (سه شنبه) اعلام شد، قیمت هر بشکه نفت این سازمان، دوشنبه گذشته با یک درصد افزایش به ۶۲.۸۵ دلار رسید و رکورد خود در تقریبا پنج ماه اخیر را شکست. قیمت نفت اوپک از هشتم دسامبر ۲۰۱۴ تاکنون به چنین سطحی نرسیده بود. قیمت هر بشکه نفت اوپک جمعه گذشته ۶۲.۲۳ دلار در هر بشکه بود. قیمت هر بشکه نفت برنت دریای شمال دوشنبه گذشته در پایان معاملات بازار آیس‌فیوچرز لندن ۶۶.۴۵ دلار بود که نسبت به جمعه گذشته تغییر چندانی نداشت. الجزایر، آنگولا، اکوادور، لیبی، ایران، عراق، کویت، نیجریه، قطر، عربستان سعودی، امارات و ونزوئلا از اعضای تشکیل‌دهنده اوپک هستند. حدود ۴۰ درصد عرضه جهانی نفت توسط اوپک انجام می‌شود.

نفت بالاترین رکورد سال ۲۰۱۵ را ثبت کرد

افزایش قیمت تا مرز ۶۹ دلار

● **فارس:** قیمت نفت در معاملات امروز بازارهای جهانی تا ۶۸.۵۳ دلار یعنی بالاترین رقم در سال ۲۰۱۵ بالا رفت و در لحظه انتشار این خبر، ۶۸.۳۲ دلار معامله شد. به گزارش رویترز، قیمت نفت به‌دنبال تضعیف ارزش دلار و ایجاد اختلال در صادرات نفت لیبی بیش از یک دلار افزایش یافت و رکورد جدیدی برای بالاترین قیمت سال ۲۰۱۵ ثبت کرد. باوجود اینکه این احتمال وجود دارد اوپک در نشست آتی خود در ماه آینده، سطح تولیدش را تغییر ندهد، قیمت نفت این هفته پس از افزایش ۲۵ درصدی نفت برنت و افزایش ۲۰ درصدی نفت خام آمریکا در ماه آوریل، با افزایش روبه‌رو شده است. هر بشکه نفت برنت با افزایش ۸۰ سنتی به ۶۸.۳۲ دلار رسید. این نوع نفت در ساعات اولیه دیروز به ۶۸.۵۳ دلار رسیده بود که بالاترین رقم در سال ۲۰۱۵ به شمار می‌رود. نفت خام آمریکا نیز ۱.۰۳ دلار بالا رفت و ۶۱.۴۳ دلار فروخته شد. این نوع نفت در ساعات اولیه معاملات تا ۶۱.۶۹ دلار بالا رفته بود. تحلیلگران تشدید ریسک‌های ژئوپلیتیکی در یمن را دلیل بالارفتن قیمت نفت می‌دانند و می‌گویند مدیران مالی از وجود بی‌ثباتی، به‌عنوان بهانه‌ای برای بالابردن قیمت‌ها استفاده می‌کنند. از طرف دیگر، معترضان در لیبی صادرات نفت از بندر شرقی الزویتینه را متوقف کردند. تولید نفت لیبی در حال حاضر کمتر از ۵۰۰ هزار بشکه در روز است.

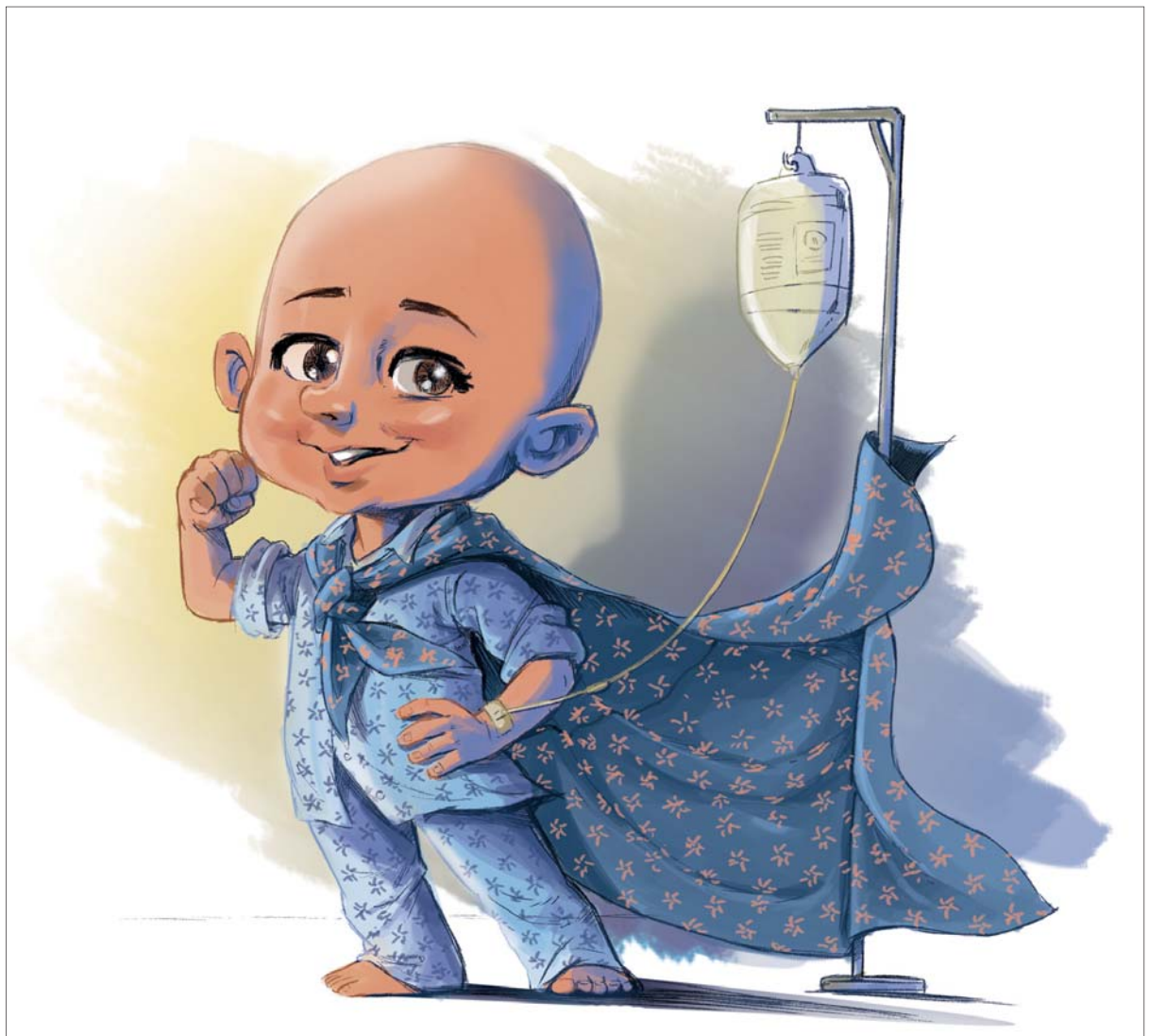

سرطان را شکست دهیم

در این روزها که دل هایمان پر از امید است و هر روز خبر قهرمانی و پیروزی ایرانیان را می شنویم، کمک کنیم تا کودکان محک نیز سرطان را شکست دهند و قهرمانی خود را جشن بگیرند.

برای پیوستن به خانواده بزرگ محک و آگاهی از روش های کمک به کودکان مبتلا به سرطان با ما تماس بگیرید.

محک
مؤسسه خیریه حمایت از کودکان مبتلا به سرطان
mahak-charity.org

۰۲۱ - ۲۳۵۴۰ *۷۲۰*۲۳۵۴۰#

شماره حساب بانک پارسیان: ۸۱۰۴۴۴۴۹

از اینکه به پیام ما توجه کردید، سپاسگزاریم.